مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال هفدهم، شمارهٔ اول، بهار ۱۴۰۵

مقاله اصیل پژوهشی
(تاریخ پزشکی)

بررسی محتوایی و بازخوانی نسخهٔ خطی ناشناخته از دورهٔ قاجار با عنوان «رساله در وبا»

جواد علیپور سیلاب[الف*]

[الف]گروه تاریخ، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

وبا یکی از بیماری‌های واگیردار است که در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در دورهٔ قاجار، تأثیرات عمیقی بر بهداشت، سلامت عمومی و ساختارهای اجتماعی بر جای گذاشته است. گزارش‌های متعددی به شیوع گستردهٔ وبا و تلفات فراوان ناشی از آن در این دوره اشاره دارند. پیش از دورهٔ قاجار، رویکرد شناختی (علت‌یابی) و رفتاری (تدابیر پیشگیرانه و روش‌های درمانی) در مقابله با انواع بیماری‌ها از جمله وبا در چارچوب نظام طب اخلاطی صورت می‌گرفت؛ اما هم‌زمان با دورهٔ قاجار، شیوه‌های درمانی پزشکی نوین به ایران راه یافت. یکی از مهم‌ترین ابزارهای آشنایی با کارآمدی و اثربخشی این روش‌ها، ترجمهٔ رساله‌هایی در باب بیماری‌های عفونی بود. نخستین ترجمه‌ها با موضوع آبله آغاز شد و در ادامه به بیماری وبا نیز پرداخته شد. نمونهٔ شاخص آن «رساله در وبا» است که در دورهٔ محمدشاه قاجار، شاهزاده محمدحسین‌بن‌عیسی آن را به فارسی ترجمه کرد. در این رساله، ضمن ارائهٔ انواع علت‌شناسی بیماری وبا، علائم بالینی و درمان‌های رایج در نظام طب اخلاطی، به‌صورت مختصر به برخی از شیوه‌های پیشگیری و درمانی نوین که توسط طبیبان غربی به کار گرفته می‌شد، اشاره شده است. به نظر می‌رسد تلاش‌های حکومت و آگاهی‌های به‌دست‌آمده از طریق ترجمهٔ این آثار، زمینه را برای ورود تدریجی طب نوین غربی به ایران فراهم ساخت و درنهایت به بهبود مدیریت بیماری‌های واگیردار کمک کرد. این مطالعه نه‌تنها به درک بهتر تاریخ پزشکی ایران کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد چگونه تبادل علمی و فرهنگی میان شرق و غرب در توسعهٔ دانش پزشکی نقشی مؤثر داشته است.

تاریخ دریافت: شهریور ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها: وبا؛ تاریخ پزشکی؛ درمان‌شناسی

مقدمه

وبا به‌عنوان یکی از بیماری‌های واگیردار، همواره تهدیدی جدی برای جوامع انسانی به شمار آمده و آثار عمیقی بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر جای گذاشته است. جامعهٔ ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و گزارش‌های تاریخی متعددی به بروز و شیوع این بیماری در اوایل دورهٔ قاجار اشاره کرده‌اند؛ شیوعی که پیامدهای گستردهٔ جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در پی داشت. تا پیش از دورهٔ قاجار شناخت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها عمدتاً در چارچوب طب اخلاطی صورت می‌گرفت؛ اما در این دوره با ورود رویکردهای پزشکی نوین، این نظام درمانی تحت تأثیر قرار گرفت و مسیر جدیدی در تاریخ پزشکی ایران گشوده شد.

یکی از موضوعات مهم و موردتوجه حکومت در این دوره، مسئلهٔ مقابله با بیماری‌های مسری و عفونی بود. تلفات ناشی از این بیماری‌ها، حکومت را وادار به اتخاذ سیاست‌های مدیریتی در حوزهٔ بهداشت کرد. یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه، افزایش آگاهی طبیبان و عموم مردم نسبت به این بیماری‌ها بود که از طریق ترجمهٔ کتاب‌ها و رساله‌های پزشکی دربارهٔ بیماری‌های مذکور انجام می‌شد؛ این روند با موضوع آبله آغاز شد و در مرحلهٔ بعدی بیماری وبا مورد توجه قرار گرفت؛ به این

Please cite this article as:
Alipoor Silab J. Content analysis and re-reading of an unknown Qajar-era manuscript titled "Risala dar Waba"(Treatise on Cholera). Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2026;17(1):47-56.

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

* فرد مسئول مکاتبات: javadalipoor@tabrizu.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

ترتیب، ترجمهٔ کتاب‌ها و رساله‌های پزشکی از زبان‌های دیگر به فارسی، حضور پزشکان خارجی و تلاش شاهزادگان و رجال علاقه‌مند به علوم، از مهم‌ترین اقدام‌ها در ارتقای دانش پزشکی در ایران به شمار می‌رود. نمونه‌هایی از این رساله‌ها به‌صورت نسخه‌های خطی باقی مانده‌اند.

نسخه‌های خطی سرمایه و پشتوانهٔ فرهنگی و دانشی هر ملتی به شمار می‌روند و نشان‌دهندهٔ وضعیت دانش و ارزش‌های فرهنگی در دوره‌های مختلف هستند. بدون شک، یکی از مسیرهای آگاهی نسبت به تاریخ علم و دانش در هر جامعه، توجه و احیای آثاری است که در زمان گذشته نگاشته شده و برای ما به یادگار مانده‌اند. نمونهٔ برجستهٔ این تلاش‌ها در دورهٔ محمدشاه قاجار، ترجمهٔ رساله‌ای دربارهٔ وبا از زبان فرانسه توسط شاهزاده محمدحسین‌بن‌عیسی است. در این رساله، علاوه بر بیان علل و علائم، روش‌های پیشگیری و درمان بیماری وبا براساس ترکیبی از آموزه‌های طب اخلاطی و تجربه‌های پزشکان اروپایی، هندی و روسی ارائه شده است. در پژوهش حاضر، نخست جایگاه رساله در وبا در ایران دورهٔ قاجار به‌صورت مختصر تبیین و در بخش دوم، متن بازخوانی نسخه ارائه شده است.

یافته‌ها

تحلیل جایگاه تاریخی «رساله در وبا»

از جمله بیماری‌های عفونی و مسری شایع در ایران دورهٔ قاجار، بیماری وبا بود. مطابق با داده‌های در دسترس، شیوع بیماری وبا در دهه‌های آغازین قرن ۱۳ هق، در مناطق مختلف، تلفات فراوانی به همراه داشت (۳-۱). گزارش‌های مربوط به شیوع این بیماری در مناطق مختلف در منابع متعددی انعکاس یافته است. وبای مهلک سال ۱۸۲۱ م/۱۲۳ هق از هند به ایران سرایت کرد و تلفات زیادی در نقاط مختلف به همراه داشت. در شیراز شش‌هزار نفر بر اثر ابتلا به این مرض جانشان را از دست دادند. تلفات در گیلان و مازندران بسیار بیشتر بود. شیوع و ابتلا به بیماری در تبریز از ۱۳ ژوئیهٔ ۱۸۲۲ م/۲۳ شوال ۱۲۳۷ هق گزارش شده که روزانه بیست تا سی نفر را به کام مرگ می‌فرستاد. این اپیدمی، تلفات زیادی در تبریز به همراه داشت به‌گونه‌ای که تعداد فوت‌شدگان بیشتر از نجات‌یافتگان بود (۴، ۵).

وبای سال ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۰ م/۱۲۴۵ هق در تهران در عرض چهل روز، ده‌هزار قربانی گرفت. در ری نیز تلفات زیاد بود. تلفات بیماری در گیلان به حدی بود که حدود دویست‌هزار نفر زن و مرد فوت شدند. بعد از برطرف‌شدن مرض، قحط و غلا ایران را فرا گرفت. به تعداد زیاد تلفات این بیماری در ایالت خوزستان و به شهرهای هویزه و شوشتر اشاره شده است. در همین سال وبا و طاعون، نصف ساکنان ارومیه را به کام مرگ فرو بردند و در مراغه تلفاتی وحشتناک داشتند. در تبریز تعداد فوت‌شدگان سی‌هزار نفر بود. سال بعد یعنی ۱۸۳۱ م/۱۲۴۶ هق شیوع این بیماری در تبریز و اکثر ولایات آذربایجان، مرگ‌ومیر زیادی به دنبال داشت (۴، ۶).

بیماری وبا در سال ۱۸۳۳ م/۱۲۴۹ هق در شهرها و ایالت‌های مختلف از جمله تهران، مازندران، مشهد، شیراز و اصفهان شیوع یافت و موجب هلاکت تعداد زیادی از ساکنان این شهرها شد. براساس گزارشی، این بیماری در شهر تهران روزانه تلفاتی در حدود ۱۰۰ نفر به همراه داشت، به‌طوری‌که از هر دو نفر، یک نفر به بیماری مبتلا بود و مرگ‌ومیر افراد در کوچه و خیابان‌ها به‌سبب کمیابی و کیفیت نامناسب مواد غذایی، عادی به نظر می‌رسید. در همین سال بیماری در ورامین همهٔ کودکان خردسال را به کام مرگ فرستاد. در طول سلطنت محمدشاه، بیماری وبا گاه‌گاهی در ایران شایع می‌شد. شیوع وبا در سال ۱۸۳۵ م/۱۲۵۱ هق در تهران، تلفاتی حدود هشت‌هزار نفر داشت. در همین سال، وبا در تبریز جان صدها نفر را گرفت. به وقوع وبا در دورهٔ محمدشاه و در شهرهای مختلفی چون تویسرکان، کرمانشاه، کرند، مشهد، نیشابور، تبریز و تهران اشاره شده است (۴، ۵).

شیوع گسترده، تلفات جمعیتی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعاقب ناشی از بیماری وبا و ناکارآمدی روش‌های درمانی رایج، لزوم توجه بیشتر به این بیماری را می‌طلبید. این کار با ترجمهٔ رساله‌ای در مورد وبا از زبان فرانسه و توسط یکی از شاهزادگان به نام «محمدحسین‌بن‌عیسی» صورت گرفت (۷). لازم به توضیح است که هم‌زمان با دورهٔ قاجار، فرانسه و شهر پاریس، یکی از مراکز مهم علمی و پزشکی جهان محسوب

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

می‌شد. دانشجویان و پزشکان ایرانی با حضور در فرانسه و شهر پاریس، با شیوه‌های نوین درمانی آشنا می‌شدند. علاوه بر این، ترجمه‌هایی نیز از زبان فرانسه با هدف گسترش طب نوین انجام می‌شد. ترجمهٔ رساله‌ای در موضوع وبا توسط یکی از شاهزادگان قاجار، علاوه بر این‌که نشان‌دهندهٔ علاقهٔ بزرگان و دربار نسبت به علوم جدید است، نشان از علاقهٔ آنها به استفاده از دانش نوین و تجربیات جهانی در مواجهه با این بیماری دارد.

رساله‌ای که در پژوهش حاضر بازخوانی و مطالعه شده است (۷)، علی‌رغم اجمال مطلب، از چند جهت ارزش تاریخی دارد. این رساله در زمرهٔ نخستین [شاید نخستین] رساله‌هایی است که به فارسی ترجمه شده و به نوعی برزخ آشنایی ایرانیان با رویکردهای طب نوین در خصوص بیماری وبا است. از نظر محتوایی، در این رساله، در گام نخست به عوامل بیماری‌زا اشاره و سپس شرح دقیقی از علائم بیماری چون سردی پوست همراه با حرارت داخلی، عطش شدید، اسهال و استفراغ، ضعف نبض و تغییر رنگ زبان ارائه شده است. این توصیف‌ها از نظر پزشکی بسیار دقیق و نزدیک به آنچه در دانش نوین به‌عنوان علائم وبا شناخته می‌شود، می‌باشد. ناگفته نماند که تلفیق رویکردهای درمانی طب مبتنی بر اخلاط چهارگانه با دانش نوین پزشکی، بیانگر فرآیند تدریجی انتقال دانش طب نوین در جامعهٔ ایران دورهٔ قاجار است؛ از این‌رو این رساله نقش مهمی در انتقال دانش نوین پزشکی در خصوص بیماری وبا دارد. اشاره‌های متعدد به اسامی و کارایی و اثربخشی درمان‌های طبیبان روسی، انگلیسی و هندی در این رساله وجود دارد.

ترجمهٔ این رساله در دوره‌ای که جامعهٔ ایران با چالش‌های فراوان بهداشتی در مواجهه با وبا روبه‌رو بود، کمکی بود تا جامعهٔ پزشکی و مردم عادی، با ماهیت بیماری وبا و راه‌های پیشگیری و درمان آن بهتر آشنا شوند. این آگاهی، به بهبود وضعیت سلامت عمومی و کاهش پیامدهای این بیماری مرگ‌بار کمک کرد. فرهنگ‌سازی در خصوص توجه هر چه بیشتر نسبت به پیشگیری و توجه به مسائل بهداشتی، موضوع دیگری است که از مطالب این رساله برداشت می‌شود. به‌جای این‌که بیماری به‌عنوان یک تقدیر الهی تلقی شود، در این رساله بر مراقبت‌های بهداشتی و تغییر سبک زندگی و مراعات پرهیز و ... جهت پیشگیری از بیماری تأکید شده است.

مشخصات فیزیکی نسخهٔ «رساله در وبا»

عنوان: رساله در وبا

مؤلف: محمدحسین‌بن‌عیسی

نوع نسخه: نسخهٔ خطی

شمارهٔ ثبت: ۷۳۵ ف

تاریخ تألیف: ۱۲۶۲ هق

محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، سامانهٔ منابع دیجیتال

شناسهٔ کد کتاب: ۱۷۱۰۸۳۸

دسترسی دیجیتال: https://dl.nlai.ir/UI/528d0a42-a48e-4bdc-821b-a24fa19c1c1e/LRRView.aspx

متن بازخوانی‌شدهٔ نسخهٔ «رساله در وبا»

بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب‌العالمین و الصلوة و والسلام علی افضل انبیائه محمد و آله اجمعین و بعد، این بندهٔ خاکسار و چاکر جان‌نثار شاهنشاه سلاطین، شریعت‌شعار و پادشاه دین‌دار ممالک‌مدار، احسب و انسب خسروان روزگار، سلطان حم [حمید مجید: ستوده‌صفات (۸)] خدم و خاقان فرشتهٔ چشم، ظِلُّ اللهِ عَلَی (صفحهٔ ۱) مَفَارِقِ الأَمَمِ خَلِیفَةُ اللهِ فِی العَالَمِ السُّلطَانِ بْنِ السُّلطَانِ ابْنِ السُّلطَانِ محمدشاه غَازِیٍ خَلَّدَ اللهُ مُلْکَهُ وَ سُلْطَانَهُ وَ أَفَاضَ عَلَی العَالمِینَ بَرَّهُ وَ إِحْسَانَهُ، محمدحسین قاجار که در عنفوان صبی و ریعان شباب [آغاز دورهٔ جوانی] مشغول به تحصیل علم بوده، خاصه علم طب، و بعد به حکم اعلی‌حضرت قدر قدرت شاهنشاهی [منظور محمدشاه قاجار]، روحی فداه، مأمور به خطهٔ روم [عثمانی] شده، با وجود قلت زمان و منصب بالیوزی [کنسول یا وکیل سیاسی (۸)] و مشاغل دولتی، به‌قدر امکان، در تحصیل زبان فرانسه و غیره کوشیده از (صفحهٔ ۲) زمان مراجعت تا حال، همیشه مترصد خدمت و جان‌سپاری بوده، تا آن‌که جناب جلالت‌مآب حضرت‌عالی، منزلت ناصب رایات معدلت و انصاف، راسخ آیات مظلمت و اعتساف، ملاذ کارگاه آفرینش، مردم اهل دیدهٔ بینش، جامع کمالات علمی و عملی، فایق سعادات ابدی و ازلی، کاشف اسرار قدم، واقف کنوز رموز حکم، قطب فلک عالم،

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

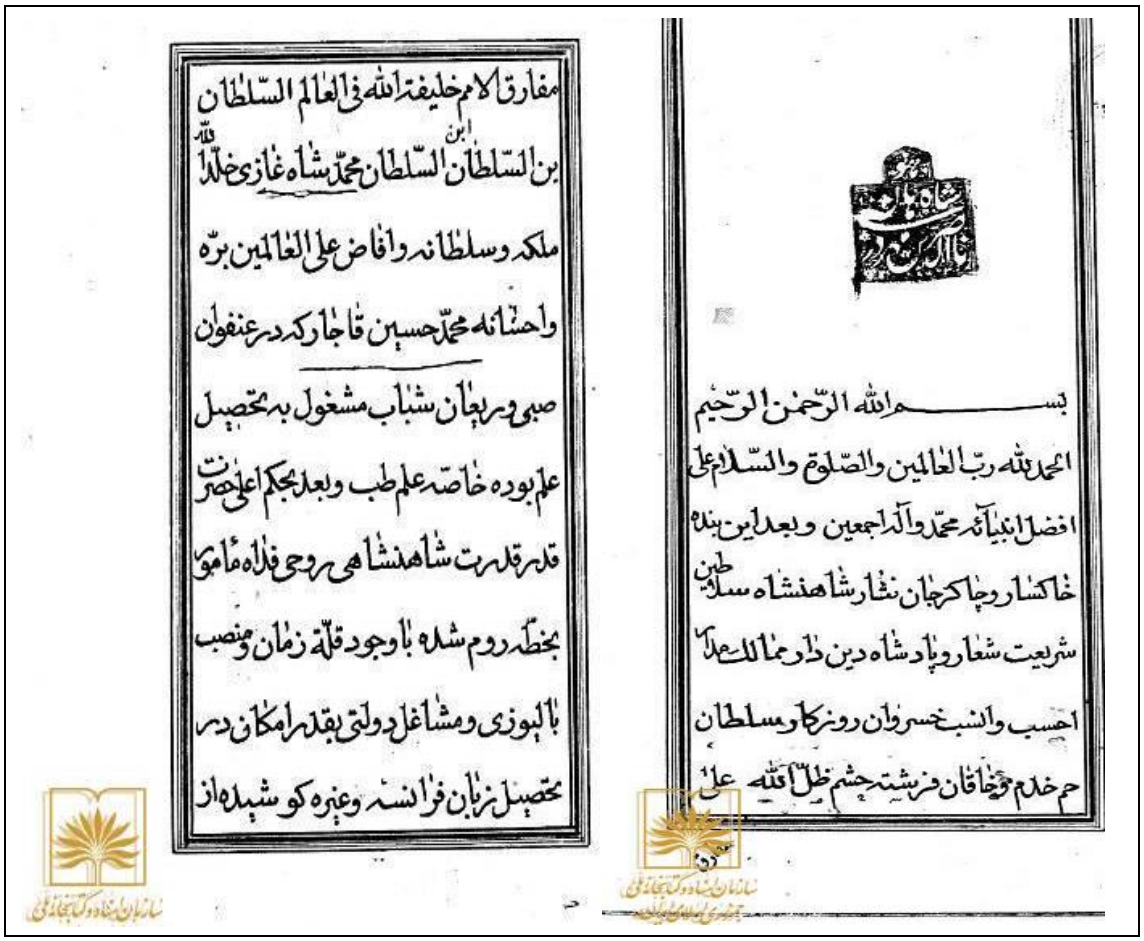

شکل۱. تصویر صفحات نخستین رساله

اَعنی جناب حاجی سلّم الله تعالی فی الدارین، کتابی که بخصوص وبا در زبان فرانسه نوشته بودند (صفحهٔ ۳) به مسیو جبرئیل [مترجم یونانی‌تبار دربار محمدشاه (۹)] و مترجم دادند تا ترجمه نماید. این بندهٔ درگاه، کتاب را از او گرفته، مطالبی که ترجمه‌اش لزوم داشت به طریق اختصار در سِلک کتابت آورده، امید که در بارگاه حضرت ظل‌اللهی به شرف قبول مقرون گردد و این ترجمه را مشتمل بر چند فصل نموده [است] (صفحهٔ ۴).

فصل در وبا و آن تعفنی است که لاحقِ [آنچه از پس چیزی آید و بدو رسد، واصل (۸)] جوهرِ هوا شود و مراد به هوا در اینجا، هوای مابین زمین و آسمان است که ممتزج [آمیخته‌شده] از هوای حقیقی و اجزای مائیه [باشد] که صعود کند به‌واسطهٔ بخار و اجزای (صفحهٔ ۴) ارضیّه که صعود کند به‌واسطهٔ دُخان و غبار و اجزای ناریّه که صعود کند از زمین، پس بدین اسباب ممتنع شود تعفن هوا سبب بیرون‌رفتنش از بساطهٔ خود بیرون، و باشد که در بعضی اوقات بخارهای ردئ از معدن‌های بد یا از آب‌های ایستاده یا سبزی‌های بد یا کِشت‌های گندیده متصاعد شود و اخلاط گَند با هوا بدین سبب ترطیبی شدید و تعفنی سریع چون مُتَبَعض‌شدن آبی که در یک موضع ماند متعفن شود، از استنشاق چنین هوا، اخلاط (صفحهٔ ۵) محصور در قلب متعفن شود و در کل اخلاط سرایت کند و تأثیر وبا عام باشد در خُلق [اخلاق و رفتار] بسیاری از مستعدین و حیوانات اثر کند، مستعدین کسانی هستند که بدنشان از اخلاط رَدیه داشته باشد و مسامات بدنشان گشاد باشد و حمام روند، و اثر نمی‌کند در ابدانی که از اخلاط بد ندارد و مسامات [منافذ، سوراخ‌های ریز (۸)] ضیّقه [تنگ (۸)] دارند به جهت آن‌که تا منفعل مستعد قبول اثر فاعل نباشد، فاعل به تنها در او اثر نمی‌تواند کرد که اگر چنین نمی‌بود این

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

ناخوشی در جمیع ناس می‌بایست (صفحهٔ ۶) اثر کند و وجود به خلاف این است.

کثرت و شدت ناخوشی وبا در جاهایی است که نزدیک به آب باشد و جاهایی که جمعیت زیاد داشته باشد و کوچه‌هایش تنگ و پست باشد. علامت وبا ظاهر می‌شود در هوا از کمی باران و بسیار ابر شدن، و سبب کمی آن این است که حصول باران از اَبخَرهٔ [ابخارها (۸)] رَطبه‌ای است که سبب حرارت آفتاب از ارض مرتفع می‌شود و مائیهٔ آن تحلیل نمی‌رود و در وقت صعود متکاثف [فشرده و متراکم (۸)] شده ابر می‌شود و اجزای مائیه متقاطر [قطره‌قطره چکیدن (۸)] می‌شود هم‌چنان که در سقوف (صفحهٔ ۷) حمامات ملاحظه می‌شود و وقتی‌که هوا متعفن می‌شود این اَبخَره به جهت مجاورت و مخالطه [آمیختن (۸)] متعفن می‌شود و تحلیل می‌رود از او اجزای مائیه و باقی می‌ماند از او اجزای ارضیهٔ کثیفه و ناریه، این اجزا می‌گردند ابر بی‌باران و بسیاری شهاب از جهت احداث‌شدن این شهاب از اَدخَنهٔ دَسِمه [تیره‌مانند (۸)] که بکره نار می‌رسد و مشتعل می‌شود؛ اگر ماده‌اش لطیف باشد ثابت نمی‌ماند، اگر غلیظ باشد ثابت می‌ماند؛ مانند کوکبی که بر شکل مار و حیوان صاحب شاخ و صاحب دُم (صفحهٔ ۸) مرئی می‌شود، وقتی که هوا متعفن می‌شود، تولد اَبخَره به‌سبب عفونت و تحلیل‌رفتن اجزای لطیفه، زیاد می‌شود و گریختن حیوانات باذکاوت مانند لقلق [لک‌لک (۸)] و مثل آن اگرچه تخم و بچه گذاشته باشند، و **کیفیت احتراز** از او این است که تنقیه بدن و تعدیل مزاج و ترک میوه و شراب و اقتصار بر مُجَفِّفات [خشک‌کننده (۸)] کنند و پرهیز از جمیع اعراض نفسانی و بدنی و مباشرت زیاد کنند، و در وقت غذاخوردن چند قطره روغن‌زیتون و نعناع با غذا بخورند که از برای (صفحهٔ ۹) محافظت‌کردن بسیار مفید یافته‌اند. علامت ناخوشی وبا سردی ظاهر بدن و حرارت و کَرب [غم و غصه (۸)] داخل و نفس‌کشیدن متواتر و بدبو و شدت عطش و غشی مکرر اگر قی کنند در اکثر خلط سیاه بد بود، دفع شود و براز [مدفوع (۸)] هم چنین بود.

فصل در اقسام وبا و آن در اصل سه نوع است، همچنان که اطبای مسکو حکیم ریکیا و حکیم الکسندر و جمهوری از اطبای نامدار، به تجربه‌های چند زیاده از آن نیافته‌اند: **اول** بسته‌شدن خون است (صفحهٔ ۱۰) در عروق و این اَشَّد انواع دیگر است و مخصوص کسانی است که در سن بیست‌وپنج تا سی‌وپنج باشند، و کسانی که قوی‌الجثه و دموی‌مزاج باشند، علامت این علامات مذکوره است به طریق اقوی مع ضعف نبض و بطلان او و گرفتن صدا و حبس بول و پیچیدن اعضا و نیامدن شیر و اشک است. نهایت زمان این ناخوشی تا بیست‌وچهار ساعت است و به جهت تنگی وقت و شدت مرض، حذاق اطبا در معالجه متحیر و پریشان‌اند (صفحهٔ ۱۱). علاج قبل از آن‌که خلط متعفن محصوره در قلب به جمیع بدن سرایت کند، فصد یا حجامت صدر [سینه (۸)] کنند، چه بعد از آن‌که خلط به جمیع بدن سرایت کند و خون بسته شود، فصد و حجامت مفید نیست، بلکه خطرش بیشتر است. بعد پونه و نعناء و عود بدهند و بدن را بسیار بمالند و جوهر کافور یا جوهرنمک و نوشادر و علک البطم [صمغ درخت بطم] و فلفل و قطران بر روی معده بمالند و تخم خرطال [جوی دوسر] و ترب را بر معده ضماد کنند، بعد از اینها جمیع بدن مگر سر را به آب گرم فرو (صفحهٔ ۱۲) برده و با پشم‌هایی که در جوهر شراب فروبرده باشند، بپیچند. اطبای انگلیس که در هند بوده‌اند، کل مل [ماده‌ای سفید حاصله از ترکیب جیوه و کلر: کلرور جیوه (۸)] و تریاک و روغن قتدز را مفید یافته‌اند و این جانوری است شبیه به روباه که پوست او را سلاطین ترکستان کلاه و پوستین می‌کنند و برخی را اعتقاد آن است که آن سگ آبی است، اطبای دیگر کل مل و افتیمون را مقبول دانسته تریاک را منع نموده‌اند.

دوّم تشنج اعصاب و وَجَع آن است، این علامت در این نوع بر علامات دیگر مقدم است (صفحهٔ ۱۳) و مخصوص کسانی است که ضعیف‌الجثه و فقیر و چرکین و کسانی که در منازل تنگ و رطوبتی سکنا داشته باشند. علامتش دَوّار [سرگیجه (۸)] و تشنج معده و وَجَع [درد (۸)] زیر ناف و طپش [تپش (۸)] قلب، صُلبی نبض و خَدِربودن [سستی و به خواب‌رفتن] پاهاست، و قی و اسهال در این نوع بیشتر است، نهایت زمان این تا پانزده روز است همچنان‌که اطبای انگلیس در هند تجربه نموده‌اند و اجتماع این نوع با نوع اول مکرر در مسکو دیده شده است با اختصاص هر یک به اشخاص خود. نوع اول در جاهای بلند و

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

خشک و (صفحهٔ ۱۴) کم‌جمعیت و رو به شمال انتشار داشت، دومی در جاهای پست و رطوبتی و جمعیت بسیار انتشار داشت. **علاج** تنقیه خلط فاسد کنند و شراب و طعام‌های لطیف و کثیرالغذا بدهند و تغییر منزل کنند و میوه‌ها و ریاحین معطر در منزل گذارند [دو کلمهٔ ناخوانا] به سرکه و گلاب کنند، اطبای مشهور در این قسم امر به دادن گنه‌گنه و تریاک نموده‌اند.

سیّوم فساد در هضم و ریختن فضولات در معده است و این اختصاص به شخص و زمان و مکان ندارد (صفحهٔ ۱۵)، علامت: انقلاب معده و قی و خشونت جلد و سرخی آن است با علامات مذکوره اما نه به آن شدت که در دو نوع اول است، مختصر آن‌که آنچه در کتب قدما به نظر رسیده است، سبب این ناخوشی از گوشت بسیار خوردن به‌خصوص گوشت خنزیر [خوک (۸)] و ماهی خوردن و خوردن چیزهایی که در آفتاب مانده باشد و از بقولات [سبزی‌ها و حبوبات (۸)] مانند سیر و پیاز و نخود و کاهو و کدو و از میوه‌ها سیب و خیار و خربزه. هیپوکرات و جمهوری از اطبا را رأی بر آن است که ظهور (صفحهٔ ۱۶) این ناخوشی و دو نوع مذکور، بیشتر در فصل تابستان و پاییز است. در اول آن‌قدر آب نیم‌گرم بدهند که معده از فضول پاک شود و شراب را با چند قطره روغن‌زیتون یا یخ و برف سرد کرده بدهند و اعضای سردشده را با موم بمالند و شیشهٔ حجامت بر معده بگذارند و ناخوش را بگذارند تا بخوابد. روز دیگر به حمام برند و به غذاهای لطیف و خواب طبیعت را تقویت کنند، اگر بعد از رفع این ناخوشی تب در بدن بماند مسهل بدهند و بعد چند روزی شراب بدهند تا تب (صفحهٔ ۱۷) رفع شود.

فصل در آنچه حکیم سیدلیتزدر در علامت وبا گفته است: **اول** تغییرکردن گونه‌های صورت است که بدون آن حکم به وبا نمی‌توان کرد، اگرچه قی و اسهال و پیچیدن اعضای خارج باشد. **دویّم** اعتدال زبان و حلقوم بر نهج طبیعی نباشد، به‌خصوص وقتی‌که لون زبان سماوی و صاف و لعاب‌دار باشد و تغییر ذائقه نشده باشد، چه تغییر ذائقه و سرخی و خشکی و خشونت و بازداشتن زبان، دلیل بر گذشتن ناخوشی وبا است، با این‌که ناخوشی وبا نیست. **سیّم** نیامدن بول و شیر (صفحهٔ ۱۸) و اشک است، چه آمدن اینها دلیل بر رفع ناخوشی یا نبودن ناخوشی است. **چهارم** اشیایی که به قی و اسهال دفع می‌شود، بی‌مزه و مائی باشد و بی‌الم دفع شود که اگرچه با پیچش و درد باشد و اشیای مدفوعه بوی براز را داشته باشد، حکم به ناخوشی وبا نمی‌توان کرد. **پنجم** در حالت نفس‌کشیدن تنگی و المی محسوس مریض نشود که تنگی نفس و درد سینه رفع مظنهٔ این ناخوشی را می‌کند. **ششم** آدم وبایی هیچ احساس سرما نمی‌کند و اگر در ابتدا قشعریره [لرزش بدنی (۸)] بشود، به‌زودی برطرف می‌شود. هر گاه مریض احساس سرما (صفحهٔ ۱۹) بکند و مدت قُشَعریره‌اش به طول انجامد، دلیل بر رفع‌شدن ناخوشی وبا است و از علامات جَیِّده این ناخوشی آن است که مریض از سرماخوردن پاها شکایت کند. **هفتم** خلاء نبض است و امتلاء آن از علامات جَیِّده است. **هشتم** آن است که جمیع اعضا و جوارح مریض بر نهج طبیعی نباشد و نیز جلدش سوزنده و سرخ و خشک نباشد همچنان که در حُمَّیات مشاهده می‌شود. **نهم** غلیظی و تیرگی خون است. کسانی که ناخوشی وبا نداشته باشند، اگر فصد کنند خونشان به قوّت و جهندگی بیرون (صفحهٔ ۲۰) می‌آید و سرخ‌رنگ است. **دهم** نخوابیدن، چشم‌ها مانند کسانی که غش کرده باشند، هست که اگر ناخوش بخوابد یا چشم‌ها بر هم گذارد، از علامات جَیِّده و امید نجات است. **یازدهم** کاهیده‌شدن [کوچک‌شدن (۸)] اعضا است در اندک‌زمان. **دوازدهم** مغشوش‌شدن دماغ است به‌کلی که اگر اختلال کلی به هم رسد و به آواز بلند هذیان بگوید و از رختخواب فرار کند، از علامات جَیِّده است. کسانی که ناخوشی‌شان از واهمه باشد، تا واهمه دارند قی و اسهال دلیل بر سربان [اصطلاحی برای اشاره به بیماری‌های روانی و افسردگی (۸)] ناخوشی در اعضای (صفحهٔ ۲۱) ایشان نمی‌شود.

فصل در بیان علامات و معالجه که حکیم اَوِند به تجربه رسانیده است: زعم او این است که ناخوشی وبا یک ناخوشی بسیار شدید است که رطوبات بدن را اذابه [ذوب (۸)] کرده به معده و امعاء [روده‌ها (۸)] می‌ریزد، آن رطوبات به طریق قی و اسهال دفع می‌شود، در اول مائی و بدبو است و بعد بلغمی و صفراوی می‌شود به اضافهٔ علامات دیگر که غش‌های پیاپی و لاغری مفرط و تمدّد اعصاب و کدورت دماغ و دوار و

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

خفقان و سردی اعضا و کم‌آمدن بول و گرفتن صدا (صفحهٔ ۲۲) و ضعیف‌شدن نبض است و دردهای زیاد که ذکرش موجب تطویل است. ظهور این ناخوشی را اکثر در تابستان و پاییز و به‌ندرت در بهار و زمستان می‌دانند، و موافق مزاج جوانان و مخالف مزاج پیران و اطفال می‌دانند مگر آن‌که در ابدان پیران اخلاط فاسده باشد و مستعد مر این ناخوشی را باشند و بسیار کم است. می‌گویند که پیران این ناخوشی را بگیرند و شفا بیابند. علاج از قراری که تجربه نموده‌اند: در اول رفع قی و اسهال را آسان گرفته‌اند؛ اما برای آن‌که رطوبات مذابه در معده (صفحهٔ ۲۳) و امعاء که خارج نشود خطرش بیشتر است، رفع آن را منع نموده‌اند تا آن‌که معده از اخلاط پاک شود. اگر قی به عسرت بیاید، امر به دادن آب نیم‌گرم کرده‌اند، و اگر وَجَعی در شکم محسوس شود و پاها بسیار سرد شده، صعتر، عود، بادیان، زیره را کوبیده، داخل روغن زیت کرده بر روی آتش گذارند تا گرم شده بر روی شکم و پاها بمالند و بعد شکم و پاها را از پشم بپوشانند. در وقت به‌هم‌خوردن معده [و] کندشدن حواس، دو سه پیاله آب سرد بدهند، اگر آب قی کرد معلوم است که طبیعت (صفحهٔ ۲۴) مشتاق به آب سرد و اشیای بارد بالفعل است، در آنها مداومت کند تا آن‌که اخلاط فاسد بالتمام دفع شود. در بسیاری از ناخوش‌های جوان ذکور و اناث، خاصه آنانی که حمل داشته‌اند، آب‌لیمو و قند با یخ و برف مفید افتاده است. اگر این معالجات مفید نیفتد و مریض از کثرت قی‌کردن بی‌حال شود و عرق بیاید و نبض متواتر شود، در این صورت قدری شراب و قدری مغز نان برشته در آب سرد کنند و بدهند و حکم به دادن میوه‌های عفص [طعام تندمزه و قابض (۸)] و قابض و به و انگور (صفحهٔ ۲۵) نموده‌اند. اگر معده قبول این نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها نکند، اشیای بارده را تبدیل به اشیای حاره کنند و شاخ‌های حجامت در میان دو کتف و زیر ناف گذارند و ضمادات معطره با شراب در شکم ضماد کنند و ضمادی که روغن بلسان و مصطکی و عود داشته باشد بر سینه گذارند و پاها را با روغن زیت و موم و قُسط بمالند و بعضی اوقات نقل کنند مریض را به جاهایی که هوایش سرد و صاف باشد، و بعد از این تدبیرات که علامات ناخوشی روی به نقصان آورد و نبض قوی شد و بدن گرم (صفحهٔ ۲۶) شد و خواب آمد، مریض را به حمام ببرند. اگر به خلاف این باشد؛ یعنی ناخوشی شدت کرد و نبض غیرمحسوس شد، در این حالت تدبیری از برای طبیب بهتر از طفره‌زدن [احتمالاً: تأخیرانداختن] نیست.

فصل در آنچه از تصنیفات کالئین به‌خصوص وبا دیده شده است: اگرچه در بسیاری از مواضع ذکر وبا را نموده است؛ اما آنچه [دو کلمهٔ ناخوانا] باشد کمتر به نظر رسیده است و ما شمّه از طریق معالجهٔ او ذکر می‌کنیم: و آن دادن آب سرد و میوه‌های قابض و عفص و نعناع با شراب است و چسبانیدن شاخ حجامت در شکم و خوابانیدن (صفحهٔ ۲۷) مریض در حمام سرد و مدتی در آنجا گذاشتن، اگر مریض لباسی داشته باشد که کفایت او را بکند. کَلّیوُس و اورلیانوس آب‌های گرم کبریتی را هم یکی از اسباب وبا شمرده‌اند، و اسیلبیاد نیز بر این رأی است و او ذکر می‌کند علاماتی را که قبل از ناخوشی به شخص عارض می‌شود و آن تیرگی رنگ است و سرخی چشم و برهم‌خوردن معده و غیره است. از برای محافظت آن ناخوشی، اگر خلط دم غلبه دارد، حکم به فصد کرده‌اند، پس مقویات معده، پس عود خام و صندل و گلاب دهند و غذا از چیزهایی (صفحهٔ ۲۸) لطیف و سریع‌الهضم که با زرشک و آب‌لیمو چاشنی داده باشند، بدهند. اگر خلط صفرا غالب باشد، علاجش سوای فصد مانند علاج دم به اشیای بارده و حامضه کنند. اگر خلط بلغم و صفرا باشد، در اول به مناسبت آن خلط مُقَیِئ [داروی قی‌آور (۸)] دهند و بعد کل مل و تریاک دهند و روی شکم را از تخم گل سرخ و زیره و انیسون و تخم کرفس ضماد نمایند. اگر بعد از این تدبیرات، ناخوشی عارض شود، هر خلطی که غلبه داشته باشد، مُقیئ دهند. بعد از تنقیه معده از خلط فاسد، قنبل سعد (صفحهٔ ۲۹) و اِذخِر و مصطکی را با آب به بر معده طلا کنند و بیخ بازوها و ران‌ها را ببندند و مالش بدهند و بعد سینه و معده و شکم را با آب سرد طلا بکنند، اگر غش عارض شود آب سرد بر صورت بپاشند، اگر درد و پیچشی در شکم به هم رسد، با پشم زیاد او را بپوشانند و زیت شیرین خوب به مریض بدهند، اگر قی و اسهال نایستاد و وَجَع زیاد شد، شاخ حجامت بر روی شکم بچسبانند. بسیاری از اطبا مانند الکسندر و ترالیانوس و کالئین و غیره، در کتب خویش، فایدهٔ شراب را برای این ناخوشی ذکر نموده‌اند و چنین (صفحهٔ ۳۰)

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

دعوی کرده‌اند که اگر کسی در ایام ناخوشی مداومت به آن کند نه به افراط بلکه با اعتدال و شروطات دیگر را که عزلت از خلق و تغییر منزل به جاهای بلند و هوای صاف هرگز ناخوش نخواهد شد و کسانی که ناخوش می‌شوند از برای ایشان دوایی انفع از شراب و نعناع ندانسته‌اند و در تواریخ ذکر سیاحانی که در زمان ناخوشی در ایران بوده‌اند و ناخوش شدند، آنها را تجویز به خوردن شراب کرده‌اند و خوب‌شدن کرده‌اند. تَمَّ الْکِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِکِ الْوَهَّابِ فِی یَوْمِ الْاِثْنَیْنِ مِنْ شَهْرِ رَبِیعِ الثَّانِی مِنْ سَنَةِ أَلْفٍ وَمِئَةٍ وَسِتِّینَ وَاثْنَیْنِ وَسِتِّینَ.

نتیجه‌گیری

نسخهٔ خطی «رساله در وبا» که در سال ۱۲۶۲ هق توسط محمدحسین قاجار، به فارسی ترجمه شده است، مطالب و داده‌های مهمی دربارهٔ ادراک، شناخت، طبقه‌بندی، نحوهٔ انتقال، شیوه‌های پیشگیری و درمانی بیماری وبا براساس نظام طب اخلاطی با ترکیب آموزه‌های طبیبان شرق و غرب (از اطبای ایرانی، هندی، انگلیسی تا مسکو و ترکستان) ارائه داده است. در این رساله با تکیه بر مبانی طب اخلاطی، منشأ بیماری وبا در فساد هوا، صعود بخارات و دخان از زمین، و آمادگی بدن انسان برای پذیرش عفونت تحلیل شده است. بیان تمایز میان افراد مستعد و نامستعد، توجه به شرایط محیطی مانند میزان رطوبت، تراکم جمعیت، کیفیت هوا، و تبیین علائم ابتدایی، پیشرفته و افتراقی بیماری، نشان‌دهندهٔ دقت بالای نویسندهٔ نسخه در تشخیص و دسته‌بندی بالینی بیماری می‌باشد.

نکتهٔ مهم در این رساله، اشاراتی است که به آرای اطبای اروپایی شده که این امر نشانه‌ای از آغاز فرآیند تدریجی ورود آموزه‌های پزشکی نوین غربی در فضای فکری و دانشی پزشکی در ایران دورهٔ قاجار است. طبقه‌بندی سه‌گانهٔ وبا، تمایز در علائم و تجویزهای دارویی متناسب با مزاج و مرحلهٔ بیماری و همچنین تحلیل‌هایی دربارهٔ زمان‌بندی و اقلیم، متنی علمی و تجربی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد.

اگرچه بسیاری از مفاهیم، واژگان و درمان‌ها بر پایهٔ طب اخلاطی و با استفاده از داروهای گیاهی، رژیمی و تدابیر سنتی بیان شده‌اند، اما تشابهات مهمی با یافته‌های پزشکی مدرن نیز قابل‌شناسایی است. به‌عنوان نمونه، اشاره به عفونت‌زایی هوای آلوده، اثرات محیطی بر شیوع بیماری، یا تأکید بر پیشگیری و پرهیزهای غذایی و روانی، با اصول اولیهٔ بهداشت عمومی در دنیای معاصر هم‌راستا می‌باشد. در مجموع، این نسخهٔ خطی را می‌توان نمونه‌ای شاخص از ادبیات پزشکی نوین در دورهٔ قاجار به شمار آورد که بررسی تطبیقی آن با منابع هم‌دوره و همچنین تحلیل لایه‌های علمی و زبانی آن، می‌تواند به فهم بهتر تحولات گفتمانی دانش پزشکی در ایران قرن ۱۳ هق کمک شایانی کند. مطالعهٔ این متن نه‌تنها برای مورّخان طب، بلکه برای پژوهشگران علوم اجتماعی، ادبیات پزشکی و حتی اپیدمیولوژی تاریخی مفید و الهام‌بخش است.

تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

References

1. Parvazi E, Ezati M, Alisoufi A, Deh Pahlevan T. An analysis of backgrounds and factors of Cholera outbreak in Hamedan during the Qajar Reign (AD 1848-1925). Journal of Research on History of Medicine. 2022 Aug 1;11(3):143-68.
2. Nayebian J, Dehghani R, Alipoor Silab J. Vulgar medicine in the Naseri era of Iran. Journal of Iranian Islamic Period History. 2014;6(10):171-201.
3. Azizi MH, Azizi F. History of Cholera outbreaks in Iran during the 19th and 20th centuries. Middle East Journal of Digestive Diseases. 2010 Jan;2(1):51-5.
4. Alipoor Silab J. Vulgar beliefs in medicine of Qajar Iran [Dissertation]. Tabriz: University of Tabriz, Faculty of Law and Social Sciences, Department of History; 2016. P:160-162. [In Persian].
5. Karimkhanzand M. Iranian medicine's encounter with the Cholera and Plague epidemics in Qajar Iran in the 19th century. Journal for the History of Science. 2012 Sep 22;10(2):93-126.
6. Hatani Z. Popular ways to prevent and treat cholera during the Qajar period. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2013 Sep 10;4(2):132-7.
7. Muhammad Hossein ibn Isa. *Risala dar Waba* [Manuscript]. National Library and Archives of I.R. Iran, Digital Resources System, Book ID: 1710838. 1846/1262 AH. P:1-32. [In Persian].
8. Available at: URL: https://abadis.r/Accessed September 07, 2025.
9. Polak JE. Persien: das Land und seine Bewohner. Translated by Jahandari K. Tehran: Kharazmi; 1989. P:192. [In Persian].

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

Original Research
(History of Medicine)

Content analysis and re-reading of an unknown Qajar-era manuscript titled "Risala dar Waba"(Treatise on Cholera)

Javad Alipoor Silab[a]*

[a]Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran

Abstract

Cholera has been one of the most devastating infectious diseases in Iranian history, particularly during the Qajar period, leaving profound impacts on public health, hygiene, and social structures. Numerous reports from this era highlight the widespread outbreaks and high mortality caused by the disease. Prior to the Qajar era, both cognitive (etiological) approaches and behavioral (preventive measures and therapeutic methods) were framed within the system of humoral medicine, and cholera was also understood and treated accordingly. However, the Qajar period marked the beginning of the introduction of modern medical practices into Iran. One of the most significant means of familiarizing physicians and society with the efficacy of these new methods was the translation of treatises on infectious diseases. The earliest translations addressed smallpox, and subsequently, cholera became a focus of attention. A notable example is the "*Risala dar Waba*" (Treatise on Cholera), translated into Persian during the reign of Muhammad Shah Qajar by Prince Muhammad Hossein ibn Isa. This work not only presents classifications of cholera, clinical symptoms, and prevalent treatments in humoral medicine, but also introduces modern preventive and therapeutic approaches undertaken by Western physicians. The government's efforts, coupled with the awareness raised through such translations, appear to have paved the way for the gradual incorporation of Western medicine into Iran, ultimately improving the management of infectious diseases. This study not only contributes to a deeper understanding of the history of medicine in Iran but also demonstrates how scientific and cultural exchange between the East and the West played a crucial role in the development of medical knowledge.

Keywords: Cholera; History of Medicine; Therapeutics

Corresponding Author: javadalipoor@tabrizu.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/jiitm/17.1.47]

Please cite this article as:
Alipoor Silab J. Content analysis and re-reading of an unknown Qajar-era manuscript titled "Risala dar Waba"(Treatise on Cholera). Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2026;17(1):47-56.

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.